

سرمقاله

راهکار تک‌نرخی شدن ارز

ادامه از صفحه یک...شوک‌های میرا، همانطور که از نامشان پیداست، تأثیرات کوتاه‌مدتی دارند که پس از چند روز از بین می‌روند. اما شوک‌هایی که نوسانات میان مدت یا بلندمدت ایجاد می‌کنند، نیازمند توجه و سیاست‌گذاری دقیق‌تری هستند. آنچه که در حال حاضر در بازارهای ارز، سرمایه، کالا و خدمات شاهد آن هستیم، این سوال را مطرح می‌کند که آیا این شوک‌ها موقتی هستند یا ماندگار؟ پاسخ این سوال به سیاست‌های کلان نظام در زمینه ارتباطات بین‌المللی، مسائل مربوط به غنی‌سازی و رویکردهای دیپلماتیک بستگی دارد. اگر سیاست‌ها به سمت تعامل و نزدیکی با جامعه جهانی حرکت کند، امید به بازگشت ثبات اقتصادی بیشتر می‌شود. در مقابل، سیاست‌های خشن و دور کننده، می‌تواند به ماندگاری و تشدید این شوک‌ها منجر شود. بخش عمده‌ای از اقتصاد هر کشوری، به تجارت بین الملل وابسته است. توانایی فروش کالاها در بازارهای جهانی و در مقابل، خرید کالا‌های مورد نیاز، از جمله کالا‌های سرمایه‌ای، ستون فقرات تولید و سرمایه‌گذاری را تشکیل می‌دهد. اگر توانیم در بازارهای مناسب کالا‌های خود را بفروشیم، قادر به تامین نیازهای سرمایه‌ای و در نتیجه حفظ سطح تولید خواهیم بود. کاهش تولید به نوبه خود منجر به افزایش قیمت‌ها و ماندگاری وضعیت تورمی می‌شود. بنابراین، تعامل بین‌المللی، در حقیقت راهی برای افزایش سطح تجارت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی است. باید مسیری را در پیش گرفت که کمترین آسیب را به اقتصاد وارد کند. در شرایطی که س‌ایه جنگ بر سر اقتصاد کشور سنگینی می‌کند، انتظار از بانک مرکزی برای مدیریت هم‌زمان تامین مالی و کنترل تورم، چالشی بزرگ است. واقعیت این است که بانک مرکزی به تنهایی نمی‌تواند این دو هدف را دنبال کند. نقش اصلی بانک مرکزی، حفظ ذخایر ارزی است، نه کسب آن. درآمدهای ارزی کشور از فروش نفت، کالا و سایر منابع حاصل می‌شود و بانک مرکزی تنها متولی مدیریت این ذخایر است. تا زمانی که مسائل سیاسی حل نشود و بانک مرکزی قدرت مانور کافی را پیدا نکند، توانایی آن برای اثر گذاری بر اقتصاد به شدت محدود خواهد بود. در شرایط تورمی کنونی که با انتظارات تورمی نیز همراه شده است، انتظار سیاست‌آبسناسطی از بانک مرکزی، نه تنها راهگشا نیست، بلکه می‌تواند تورم را چند برابر کند. معمولاً در چنین مواقعی، بانک‌های مرکزی سیاست‌های انقباضی را در پیش می‌گیرند تا فشارهای تورمی انتظاری را کاهش دهند. بنابراین، انتظار سیاست‌آبسناسطی از بانک مرکزی در وضعیت فعلی، انتظاری غیرمنطقی است. هدف نهایی در حوزه ارز، تک‌نرخی شدن است، هدفی که مورد تأیید صندوق بین‌المللی پول نیز قرار دارد. اما رسیدن به این هدف، فرآیندی زمان‌بر است و نمی‌توان ناگهان آن را محقق ساخت. رویکرد مناسب، "ساده‌سازی نرخ‌ها" است.

یادداشت

تمرکز ترامپ بر مهار چین در ونزوئلا

ادامه از صفحه یک...ونزوئلا پیش‌ترین منابع نفتی را در اختیار دارد. بعد از آن کشورهایی مانند عربستان، روسیه، ایران و ... هستند، علاوه‌بر ذخایر نفتی منابع دیگری مانند طلاو معادن نیز در ونزوئلا وجود دارد و این‌ها برای شخصی مانند ترامپ وسوسه‌انگیز است، ضمن این که از زمان حکومت بولیوارها و حضور چاوز و ... ونزوئلا در دست آمریکا خارج شد و طبیعتاً آمریکایی‌ها تضاد خود را با حکومت بولیوارها، چاوز و بعد هم مادورو شروع کردند. چندین انتخاباتی هم که برگزار شد، گفتند تقبل صورت گرفته است، در واقع بیش از دو دهه است که در سطح جهانی فشارها را شروع کرده‌اند و اکنون نیز ادامه دارد و در حال حاضر نیز ترامپ با هدف قرار دادن مادورو این موضوع را دنبال می‌کند به‌پایانه این که از این منطقه و کشورهایی مانند ونزوئلا و کلمبیا مواد مخدر وارد آمریکا می‌شود. در واقع بحث مواد مخدر نیست، بحث این است که حکومت در منطقه تغییر کرد حتی اعطای جایزه نوبل به خانم "ماریا کوریا ماچادو" ی‌حساب کتاب نبود، اما نکته مهم مساله استراتژیک است. ترامپ تلاش دارد اوج و نقوذ چین را در این منطقه از بین ببرد. آمریکا در سطح جهانی با چین مبارزه می‌کند و سعی دارد در این کشور را کاهش دهد. چین به‌عنوان کشور رقیب آمریکا در ونزوئلا نفوذ دارد البته روسیه هم چنین نقش مشابهی دارد، اما نه به اندازه چینی‌ها. زیرا فاصله اقتصادی آمریکا و روسیه خیلی زیاد است. چین برای آمریکایک رقیب اقتصادی بوده و ممکن است که یک دهه آینده کاملاً سرآمد شود، لذا ترامپ با این که مادورو حاضر شد امتیازاتی را در مورد بهره‌برداری معادن به ترامپ دهد اما او دست‌بردار این مساله نیست و به دنبال این است که حکومت را در ونزوئلا تغییر دهد از این رو اکنون در مسائلی مانند ماهی‌گیرها فشارهایی را اعمال کرده‌اند اما در حقیقت هواپیماها و نیروهای نظامی را در اطراف ونزوئلا مستقر کرده‌اند. این احتمال وجود دارد ترامپ حملاتی را آغاز کند تا توجه به مخالفینی که مادورو در داخل ونزوئلا دارد، منجر به یک شورش داخلی در کشور شده و حکومت تغییر کند. مساله اصلی آمریکا در ارتباطا با موضوعات این منطقه، چین است، مدتی پیش هم دیدیم آمریکا فشارهایی را به پاناما وارد کرد که متعلق به آن هاست و ... اما وقتی پاناما برخی از قراردادها با چین را لغو کرد، ترامپ دست‌از س‌ر پاناما برداشت، به‌نظر می‌رسد این جایز همین‌طور است او می‌خواهد دست چین کوتاه شود و اگر مادورو بگوید تمام قراردادها و فعالیت‌ها با چین را کاهش داده و حتی رابطه تجاری و سیاسی را قطع می‌کند، در چنین شرایطی ممکن است ترامپ راضی شود. هدف آمریکا کاهش نقش چین و عدم دسترسی آن‌ها به منابع نفتی ونزوئلا است. حتی در این رابطه آمریکا، به کلمبیا نیز با ادعای قاچاق مواد مخدر اعمال فشار دارد، در علاوه بر این ترامپ از ناحیه‌کنگره هم تحت فشار است و تلاش دارد از کنگره مجوز بگیرد، اما اخیراً کنگره قانونی را مورد بررسی قرار داد که ترامپ حمله‌ای به ونزوئلا و با کشور دیگری نداشته باشد.

هوش مصنوعی بر اقتصاد و صنعت اثر گذار است



میثم ظهوریان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به موافقت مجلس شورای اسلامی با تشکیل سازمان ملی هوش مصنوعی، گفت: در مجلس، پیشنهادهاتی از سوی نمایندگان مطرح شد مبنی بر اینکه سازمان یا ستادی برای پیگیری مسائل پیرامون هوش مصنوعی تشکیل شود. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس بیان کرد: در نهایت، نظر اکثریت نمایندگان بر این شد که یک سازمان مستقل با استفاده از امکانات موجود تشکیل و دبیرخانه آن شوراذیل رئیس‌جمهور فعالیت کند. وی درباره ضرورت تشکیل سازمان ملی هوش مصنوعی، اظهار کرد: به نظر من، اهمیت موضوع هوش مصنوعی به‌قدری بالاست که شایسته است یک سازمان داشته باشد. ظهوریان افزود: در کشور ما برای موضوعاتی مانند چای و فرش سازمان‌های مستقلی وجود دارد. حال آنکه هوش مصنوعی، با توجه به تأثیر مستقیم آن بر اقتصاد، صنعت، آموزش و حتی امنیت ملی، بی‌تردید موضوعی کم‌اهمیت‌تر از این حوزه‌ها نیست و لازم است سازمان مستقلی داشته باشد. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: همچنان برخی معتقدند که هوش مصنوعی باید ذیل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری باشد، در حالی که یکی از مأموریت‌های معاونت علمی، به‌موضوعات نوآورانه از جمله هوش مصنوعی است، اما ذات معاونت علمی باید ستادی و سیاست‌گذار باقی بماند و وارد اجرا نشود.

«تجارت» نتیجه شکاف میان دستمزدها و هزینه‌های زندگی را بررسی می‌کند

افزایش مشاغل غیرمولد در بازار کار



بهره‌وری کل اقتصاد کاهش می‌یابد، زیربنوری کار به جای فعالیت در بخش‌های مولد و با ارزش افزوده بالا، در مشاغل غیرمولد با اثر اقتصادی محدود فعالیت می‌کند. از سوی دیگر، امنیت شغلی کاهش یافته و خطر ناپایداری درآمد، فشار روانی و اجتماعی بر خانوارها را افزایش می‌دهد. هم‌زمان، کارفرمایان نیز با محدودیت‌های مالی و افزایش هزینه‌های تولید مواجه‌اند. قیمت مواد اولیه، هزینه‌های انرژی و محدودیت دسترسی به منابع مالی باعث شده است که بسیاری از کارفرمایان نتوانند دستمزد نیروی کار را به سطح واقعی هزینه زندگی برسانند. در نتیجه، ظرفیت ایجاد شغل رسمی و پایدار محدود شده و انگیزه کارفرمایان برای استخدام نیروی جدید کاهش یافته است. این مسئله یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند که در آن کاهش درآمد واقعی نیروی کار باعث گرایش به مشاغل غیرمولد می‌شود و این روند به نوبه خود بهره‌وری اقتصادی را کاهش می‌دهد و امکان رشد پایدار را محدود می‌سازد.

▪ **تشدید شکاف درآمدی جامعه در پی افزایش مشاغل غیرمولد**
پيامدهای اجتماعی این وضعیت نیز بسیار جدی است. وقتی نیروی کار مجبور به پذیرش مشاغل غیرمولد و کوتاهمدت می‌شود، شکاف درآمدی در جامعه افزایش می‌یابد و فشار

گروه اقتصاد کلان: محمدشیربیجان، معاون سیاست‌گذاری

پولی بانک مرکزی با اشاره به اثر مخرب بانک‌ها و موسسات مالی ناتراز در عرصه اقتصاد ملی تصریح کرد: بانک‌ها و موسساتی که از شرایط سالم اقتصادی برخوردار باشند است تا نیروی کار بر رشد اقتصادی، کمک غیر تورمی به تامین مالی تولید و در نهایت اثر سازنده‌ای بر کنترل تورم خواهند داشت، اما اگر بانکی از نسبت‌های نظارتی و بهداشت سلامت بانکی دور شود حتماً تامین مالی که توسط آن انجام می‌شود غیر تورمی نیست و تامین مالی با کیفیت نخواهد داشت. معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی با بیان اینکه دور باطل مسیر تورمی بانک‌ها و موسسات مالی ناتراز از تامین مالی بی کیفیت این نگاه‌ها آغاز می‌شود، افزود: بانک‌ها و موسسات مالی مهمترین عامل انتقال سیاست‌های پولی و بازگیران و عاملان اجرای ابزارهای سیاست‌های پولی هستند، چون زمانی که سیاست‌گذار از ابزارهای نظیر نرخ سپرده قانونی، نرخ سود و ی‌سازند مای بر رشد اقتصادی، کمک غیر تورمی بزارها و سیاست‌های پولی استفاده می‌کند مهمترین بازگیران ابزارهای پولی بانک‌ها و موسسات اعتباری هستند. وی خاطر نشان کرد: در این شرایط اگر بانکی از شاخص‌های نظارتی مناسبی همچون نسبت کفایت سرمایه، نسبت مطالبات غیر جاری و نسبت پوشش نقدینگی برخوردار باشد بستر مناسبی برای اجرای اثر



به عاملان اختلال در سیاست‌های پولی خواهند شد. شیربیجان افزود: یکی از مهمترین ابزارهایی که امروزه تمامی بانک‌های مرکزی برای اجرای سیاست‌های پولی و کنترل تورم پیاده سازی می‌کند استفاده از ابزار نرخ سود است، بانک‌ها در شرایط ناتراز ی دستاورد اجرای این سیاست‌ها را به عکس خود تبدیل می‌کنند چراکه هم‌زمان با افزایش نرخ سود اگر بانکی با ناتراز ی نقدینگی مواجه باشد از یک طرف سود سپرده‌های خود را با نرخ بالاتری باید پرداخت کند به عبارتی جریان خروجی نقدینگی بیشتری دارد ولی از طرف دیگر، چون تسهیلات در سمت راست ترازنامه از نقدپذیری لازم برخوردار نیست عملاً جریان امحای نقدینگی اتفاق نمی‌افتد چراکه از یک طرف بانک به دلیل افزایش نرخ سود سپرده، سود بالاتری پرداخت می‌کند و از طرف دیگر، چون تسهیلات پرداختی این بانک با کیفیت و جاری

ممانعت سیاست‌های بانک مرکزی از تشدید نوسانات ارز

در تمامی بخش‌های جامعه، تاثیر مثبتی داشته باشد. وی یادآور شد: لازم به ذکر است که سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد بانک مرکزی در جنگ ۱۲ روزه و پس از آن در مدیریت بازار ارز و حفظ ثبات، خوب بود و از خطر جدی نوسانات شدید ارزی که می‌توانست به دنبال خود دیگر متغیرهای اقتصادی را نیز تحت تاثیر قرار داده و در نتیجه یک بی‌اعتمادی در اقتصاد و همینطور تمامی بخش‌ها ایجاد کند، جلوگیری کرد. بابایی همچنین درباره کنترل تورم یکی از سوی بانک مرکزی گفت: بانک مرکزی که مجری سیاست‌های پولی در اقتصاد کلان است، باید ضمن حفظ استقلال و تصمیم‌گیری‌های علمی و تخصصی، با دولت که مجری سیاست‌های مالی است هماهنگی‌هایی نیز داشته و بر ارقاقی تولید متمرکز باشد.

اقتصادی مورد غفلت قرار نگیرد. لذا تصمیمات صلاحیدیی شامل تاثیرات مثبت و منفی خواهد بود که در شرایط رکود تورمی، پیچیدگی‌های خاص خود را نیز دارد. وی تصریح کرد: بانک مرکزی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های پولی تا حدودی استقلال خود را حفظ کرده و با سوق دادن نقدینگی به بخش‌های مولد و حفظ ثبات نرخ بهره، ضمن پیشگیری از رکود، اشتغال و به تبع آن ثبات اقتصادی را حفظ کند تا مانع آسیب بیشتر نوسانات شود و از طرفی، دولت باید با جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در بخش‌های جذاب و پرسود اقتصاد و بدون استقراض از بانک مرکزی (بدون افزایش در پایه پولی)، از افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی جلوگیری کند. بابایی درباره تاثیرگذاری جنگ‌های روانی بر اقتصاد ایران گفت: این تأثیرات می‌تواند

گروه اقتصاد کلان: مجید بابایی، اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه ارومیه در گفت‌وگو با تهره‌های اقتصادی پیرامون صلاحیدیه‌های اقتصاد ایران بعد از جنگ ۱۲ روزه اظهار کرد: مبادله سیاست‌های پولی در اقتصاد کلان به دو صورت تعهد و صلاحیدید است. در رویکرد تعهد، بانک مرکزی سیاست‌ها و هدف گذاری را که تعیین می‌کند، در آینده همان را پیاده می‌کند، ولی در رویکرد صلاحیدید، بر اساس شرایط به وجود آمده و آینده و هر طور که به مصلحت اقتصاد باشد، عمل می‌کند. این اقتصاددان افزود: بنابر این با وقوع بحران، ملاحظات امنیتی و مصلحتی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی وارد شده و در اولویت قرار می‌گیرد. البته این موضوع باید درک صحیح وضعیت اقتصاد از نظر رکود و رونق همراه بوده و شاخص‌ها و متغیرهای مهم